

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 26, Spring & Summer 2020

شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹

صص ۱۴۱-۱۶۵ (مقاله پژوهشی)

همنشینی حکمت و کتاب در قرآن و زایش مفهومی نو

غزاله رضایی^۱، احمد غلامعلی^۲، محمد مرادی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۳/۲۳)

چکیده

کتاب و حکمت دو مفهومی است که در تفاسیر قرآن درباره‌ی آن بحث شده است. مسئله اصلی نوشتار حاضر واکاوی مفهوم حکمت در همنشینی با کتاب در قرآن کریم است. در نگاه جدید ادعا بر آن است که مفهوم حکمت در مواردی که با کتاب همنشین شده است، مفهومی متفاوت از حکمت لغوی و اصطلاحی در قرآن دارد. روش پژوهش در مقاله حاضر تحلیل معنایی و مخاطب شناسی در آیاتی است که حکمت در کنار کتاب آمده است. با تامل در مخاطبان کتاب و حکمت در سراسر قرآن درمی یابیم که پیامبران و امت پیامبر دو مخاطب کتاب و حکمت در طول تاریخ بوده اند. از سویی از منظر قرآن برخی قرینه ها وجود دارد که حکمت در مواردی که با کتاب همنشین است، تنها به معنای مصطلح لغوی خود مانند منع از جهالت و استواری سخن نیست بلکه معنایی خاص پیدا کرده است. از جمله قرینه هایی که در خصوص کاربرست حکمت در قرآن وجود دارد، می توان به این موارد اشاره کرد: بهره مندی اختصاصی اولوالالباب از حکمت علیرغم عمومیت تعلیم، تکرار امر تعلیم حکمت به پیامبر، نعمت ثقیل الهی، واکنش حسودانه یهود به نعمت حکمت و... بنابر این از مجموع رویکرد تعلیم حکمت به امت پیامبر و تکرار آن به دست می آید که دست کم یکی از معانی حکمت در چهار آیه قرآن که با کتاب همنشین شده است به معنای ولایت علی علیه السلام است که در قالب عنوان حکمت باید به مسلمانان تعلیم داده می شد.

کلید واژه ها: کتاب، حکمت، قرآن، ولایت، مخاطب شناسی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)؛

shokret_mehraboony@yahoo.com

a.gholamali110@yahoo.com

moradi_215@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم؛

۳. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم؛

مقدمه و بیان مسأله

یکی از موارد مهم و اساسی که نقش به سزایی در کمالات انسانی دارد، حکمت است که از موضوعات مهم قرآنی است. حکمت از قدیمی‌ترین، پیچیده‌ترین و ارزشمندترین اموری است که در تمامی فرهنگ‌ها نقش تعیین‌کننده داشته است. اما این مفهوم نزد اقوام و ادیان مختلف و در طول تاریخ، معانی گوناگونی به خود گرفته و حقیقت آن در هاله‌ای از ابهام مستور شده است. (پاشایی، چکیده)

در قرآن کریم نیز، کتاب و حکمت در ۱۰ آیه همنشین شده‌اند و مفسران تفسیرهای متفاوت و متعددی برای آن بیان کرده‌اند. مسئله اساسی این نوشتار مفهوم حکمت در همنشینی کتاب در قرآن کریم است. در این مقاله با تحلیل معنا و مخاطب‌شناسی در آیاتی که حکمت در کنار کتاب آمده است، به مفهوم حکمت می‌پردازیم.

مفسران، غالباً ذیل آیه ۲۶۹ سوره بقره، حکمت در قرآن را به معانی متعدد و متفاوتی مانند: عقل، فهم، قضا، شناخت دین، اطاعت از خدا و اصول اخلاقی تفسیر کرده‌اند. (برنجکار، ۳) بنابراین، تعدد و تفاوت معنای حکمت، سبب توجه پژوهشگران به شناخت معنای آن شده است.

در پژوهش‌هایی که به مفهوم حکمت پرداخته‌اند، معانی متفاوتی برای آن مطرح کرده‌اند، برخی براساس ریشه‌یابی لغوی و موارد کاربرد حکمت در قرآن و روایات، مشخصه‌های استحکام و استواری و منع و بازدارندگی با رویکرد اصلاح را دو مشخصه‌ی اصلی حکمت دانسته‌اند. (طالبی، چکیده) و برخی حکمت را بصیرتی بر پایه‌ی ایمان بیان کرده‌اند که نظر و عمل را مطابق حق استوار می‌کند و به دور از خطا و لغزش است. (پاشایی، چکیده) برخی از دیدگاه لغوی و دینی، حکمت را دانش خطاناپذیر و مطابق با واقع و واحد معنا کرده‌اند. (برنجکار، ۸) بعضی حکمت را علمی مربوط به کتاب، دین و شریعت (سنن و فرایض) بیان کرده‌اند که خداوند آن را در اختیار انبیا می‌گذارد که آن را به بشر تعلیم دهد و قرآن تعلیم این حکمت را یکی از علل بعثت انبیا می‌داند. (شریفی،

۳۵) همچنین حکمت قرآنی را حکمتی غیراکتسابی و موهبتی الهی می‌داند که خداوند آن را به انبیا و گاه به غیر انبیا عطا می‌کند. (شریفی، چکیده) همچنین در کتابی با عنوان "حکمت چند رویکرد به یک مفهوم" مقالاتی ارزشمند در باب حکمت از دیدگاه فلسفه، اخلاق و دین ترجمه شده است. نویسندگان در این کتاب، حکمت را با توصیف حکیم شرح داده، و بر علم، عمل و خوبی که از شاخصه‌های کلی حکمت است تاکید کرده است. طبق بررسی‌های انجام شده، مقاله یا کتابی که به صورت خاص به مفهوم حکمت در همنشینی با کتاب در قرآن کریم پرداخته باشد، به جز مقاله، نگاهی دیگر به معناشناسی کتاب و حکمت با نگارش محمدکاظم شاکر وجود ندارد، یا دست کم نگارنده به آن دست نیافته است. آقای شاکر همنشینی توأمان دو واژه کتاب و حکمت در ده آیه از قرآن کریم را تامل برانگیز می‌داند که در تفاسیر نزدیک به بیست معنی و مصداق برای این دو کلمه بیان شده است. در این مقاله کتاب به عنوان قوانین الزام‌آور ادیان آسمانی و حکمت به عنوان عنصر فراتر از شرایع و در تعامل با آن مطرح می‌گردد.

آنچه در پژوهش‌های مشابه یافت شد، بیشتر مفهوم‌شناسی حکمت و تبیین تفسیری آن بوده است. پژوهش حاضر با نگاهی به سیاق، مخاطب‌شناسی و مشخصات حکمت در همنشینی کتاب شکل می‌گیرد. هدف عمده نوشتار حاضر برجسته‌سازی نقش همنشینی کلمات در ارائه مفهوم جدید است. بنابر این علیرغم معانی مختلف حکمت که بیان شده است سعی در شناخت جامعه هدف حکمت و معنایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مأمور به تعلیم آن بوده است؛ بنابراین سوالات زیر شکل می‌گیرد.

۱- جامعه هدف کتاب و حکمت در طول تاریخ چه کسانی بودند؟

۲- معنای کتاب و حکمتی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم مأمور به تعلیم آن بوده‌اند، چه چیزی است؟

بنابر این بعد از بیان معانی لغوی و اصطلاحی کتاب و حکمت، به آیات در دو بخش اصلی می‌پردازیم:

۱- آیاتی که انبیا علیهم‌السلام را دریافت‌کننده‌ی کتاب و حکمت برمی‌شمارد.

۲- آیاتی که امت حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم را تنها متعلمان کتاب و حکمت به غیر از انبیا علیهم‌السلام برمی‌شمارد.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. کتاب در لغت

کتاب به معنای ضمیمه سازی چیزی به چیز دیگر (ابن درید، ۱۹۶/۱) و به معنای مکتوب (طبرسی، ۱۱۶/۱) آمده است. احمد بن فارس در این باره می‌نویسد: (ک، ت، ب) اصل صحیح واحد يدلّ علی جمع شیء الی شیء. (ابن فارس، ۱۵۸/۵) اصل (ک، ت، ب) بر ضمیمه چیزی با چیزی دلالت می‌کند. بنابراین لغت شناسان معنای اصلی "کتاب" را جمع و انضمام دانسته‌اند.

با توجه به معناهای باز گفته: معنای وضعی اولیه‌ی کتاب، نه نوشتن و نوشتار است و نه مجموعه‌ی مدوّن بین دو جلد، این واژه در اصل به معنای انضمام و جمع بین دو چیز وضع شده است. اما در رابطه با ارتباط نوشتن و انضمام؛ تردیدی نیست که اکنون رایج‌ترین معنا در کاربرد واژه‌ی کتب و مشتقات آن، نوشتن است. با توجه به اینکه معنای اصلی و «موضوع له» اولیه‌ی این واژه، انضمام است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ارتباطی بین «نوشتن» و «انضمام» وجود دارد؟ راغب اصفهانی، این ارتباط را چنین بیان می‌کند: «و فی التعارف ضمّ الحروف بعضها الی بعض بالخطّ» (راغب، ۶۹۹) در عرف زبان، به انضمام حروف به یکدیگر با خط، کتابت گفته می‌شود.

بنابراین معنای اصلی کتاب جمع و انضمام است که غالباً برای انضمام حروف به یکدیگر به کار می‌رود.

۲-۱. کتاب در قرآن

واژه‌ی «کتاب» در قرآن کریم ۲۴۷ بار در هیئت و ساختار مختلف به کار رفته است. از

جمله معانی کتاب در قرآن، لوح محفوظ، فریضه کردن، حکم راندن، جعل کردن، امر کردن (تفلیسی، ۲۴۸)، کارنامه اعمال انسان و از همه مهم‌تر قرآن، تورات و انجیل است (قاموس، ۱۴/۳۲۰ الی ۳۳۲).

۳-۱. حکمت در لغت

برخی لغت‌شناسان که به ریشه اصلی واژه‌ها توجه دارند، معنای اصلی و اولیه حکمت را منع و جلوگیری بیان کرده‌اند و معتقدند که حکم (حکم قضایی) از آن مشتق شده و به معنای چیزی است که از ظلم جلوگیری می‌کند. حکمت نیز بر همین قیاس است و به معنای چیزی است که از جهل جلوگیری می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰/۲) فیومی تأیید مطالب فوق، بر آن است که وجه تسمیه حکمت آن است که حکمت، حکیم را از اخلاق ناپسند منع می‌کند. (فیومی، ۱۴۵)

نتیجه این بررسی لغوی نشان می‌دهد: برای حکمت معنای منع و جلوگیری در تمام معانی لغوی ذکر شده، مشترک است. همچنین معنای جلوگیری برای اموری که بار منفی دارند به کار می‌رود.

۴-۱. حکمت در قرآن

واژه‌ی حکمت در قرآن ۲۰ بار به کار رفته است. حکمت از ریشه‌ی "ح،ک،م" است که مشتقات آن ۲۱۰ بار در قرآن آمده است. در تفاسیر برای واژه‌ی حکمت معانی بسیار متعدد و متفاوتی بیان شده است. از جمله این معانی که مفسران برای مفهوم حکمت در قرآن بیان کرده‌اند، عبارت است از: حق به معنای رأی و اعتقاد مطابق با واقع که لازمه آن کمال باشد (علامه طباطبائی، ۲۷۱/۱۹)، معرفت نافع (همو، ۲۱۵/۱۶)، نوعی احکام و اتقان که خللی در آن نباشد و غالباً در عقلیات صادقی که احتمال خطا در آن راه ندارد، استعمال شود (همو، ۳۹۵/۲)، مجموعه‌ای از معرفت، علم، اخلاق پاک، تقوا و نور هدایت

(مکارم شیرازی، ۳۶/۱۷)، علوم قرآن، قول و فعل صادق، دانش دین، نبوت، معرفت به خدا، فهم، ترس از خدا، دانشی که خدا به پیامبران و امت‌هایشان داده که آنها را به معرفت خدا و دین راهنمایی کند و طبری بعد از بیان این اقوال، جامع آنها را این معنا می‌داند: علمی که سودش چشمگیر و بسیار باشد (طبری، ۶۵۹/۲). نتیجه‌ی این بررسی نشان می‌دهد: حکمت در قرآن، مجموعه‌ای بسیار نافع است که در آن خطایی نیست.

۲. مخاطبان تعلیم کتاب و حکمت

پس از آشنایی با واژه‌های کتاب و حکمت در لغت و قرآن کریم و کاربردهای آن در آرا مفسران، به جاست تا مخاطبان حکمت در قرآن کریم را بررسی کنیم. از آنجا که هدف نگارنده، بررسی حکمت در همنشینی با کتاب است، محوریت، آیاتی هستند که در آن حکمت همنشین کتاب شده است.

۲-۱. انبیاء علیهم السلام

برای فهم بهتر مفهوم حکمت در جایی که با کتاب همنشین است، لازم است شواهد و قرینه‌هایی از چگونگی کاربرستی آن در قرآن کریم فراهم آوریم. در اینجا شواهدی را گردآورده‌ایم که مخاطبان تعلیم کتاب و حکمت در تاریخ، انبیا علیهم السلام بوده‌اند. داوود، عیسی، لقمان و محمد صلی الله علیه و آله و سلم، از انبیایی هستند که در آیات قرآن کریم مخاطب تعلیم حکمت قرار گرفته‌اند. تعلیم حکمت به انبیا علیهم السلام در قرآن دارای خصوصیات است که در این قسمت به آن می‌پردازیم:

۲-۱-۱. تعلیم دهنده‌ی حکمت به انبیا

تعلیم دهنده حکمت به انبیا علیهم السلام در قرآن، خداوند است. برای نمونه در برخی

آیات می‌خوانیم:

«وَأَتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ» (البقره، ۲۵۱) «وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ» (ص، ۲۰) خداوند به داوود علیه السلام حکمت و ملک عطا کرده است.

«وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران، ۴۸) خداوند به عیسی علیه السلام کتاب و حکمت و... تعلیم داده است.

«أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (النساء، ۱۱۱) خداوند کتاب و حکمت را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد. علاوه بر اینکه در این آیه، خداوند را به عنوان تعلیم دهنده حکمت به انبیا معرفی می‌کند، در ادامه بیان می‌کند، اگر تعلیم کتاب و حکمت از جانب خداوند نبود، دستیابی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به کتاب و حکمت امکان‌پذیر نبود. «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ...» (النساء، ۱۱۳). بنابراین تنها تعلیم‌دهنده حکمت به انبیا علیهم السلام، خداوند است.

۲-۱-۲. اختصاص تعلیم حکمت به انبیا

در دو آیه اختصاص تعلیم حکمت به انبیا علیهم اسلام را بیان می‌کند. نخست آیه‌ی ۱۱۰ سوره مائده را بررسی می‌کنیم. در ابتدای آیه نعمتی را بیان می‌کند که به عیسی علیه السلام و مادرش عنایت شده است «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا» و در ادامه که سخن از نعمت تعلیم کتاب و حکمت است، با وجود مقام قداست مریم علیها السلام، مخاطب را تغییر می‌دهد و حضرت عیسی علیه السلام را مخاطب عطای کتاب و حکمت قرار می‌دهد و می‌فرماید: «وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» (المائدة، ۱۱۰).

آیه‌ی دیگر، آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی آل عمران است. آیه‌ای که به پیمانی که از انبیا علیهم السلام در رابطه با کتاب و حکمت گرفته شده است، اشاره می‌کند: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ

لَتَنْصُرُنَّهُ» (آل عمران، ۸۱) این آیه از میثاقی که گرفته شده است، خبر می‌دهد. در ادامه این آیه خطاب به انبیا می‌فرماید: «قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي ...» که در آیه ۸۴ همین سوره پاسخ انبیا علیهم‌السلام را اینگونه بیان می‌کند: فرمود: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا ...» که نشان می‌دهد میثاقی که گرفته شده، از خود انبیاء گرفته شده است، زیرا میثاق مردم هم به وسیله انبیا گرفته شده است. (طباطبائی، ۳۳۲/۳)

نکته‌ی جالب توجه اینکه با نظر به میثاقی که در آیه خداوند آن را از پیامبران گرفته است که هر گاه کتاب و حکمت به شما دادم، آن‌گاه پیامبری نزد شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید، گویا آگاهی از کتاب و حکمت، رمز و دلیلی بر نبوت است که ملاک تشخیص انبیا بعدی توسط انبیا قبلی می‌باشد. بنابراین تا زمانی که ارسال رسل ادامه دارد، این آگاهی به مردم نمی‌رسد، زیرا اگر غیر نبی آن را دریافت کند و در انحصار انبیا نباشد، این ملاک نمی‌تواند ملاک شناخت نبی بعدی توسط نبی قبلی قرار گیرد.

همچنین از این آیه دریافت می‌شود، عموم انبیا مورد تعلیم حکمت قرار گرفته‌اند و منحصر در پیامبرانی که در آیات قبل مورد تعلیم حکمت قرار گرفته‌اند نمی‌شود.

این نکته را نیز یادآوری می‌کنیم، لقمان که درباره‌ی نبوتش اختلاف است، در یک آیه مخاطب عطای حکمت است که در این آیه حکمت در کنار کتاب قرار نگرفته است «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» (لقمان، ۱۲). در قرآن کریم سخن صریحی مبنی بر نبوت و رسالت او به میان نیامده است و اندرزهای او نقل شده است. اما در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تصریح شده که لقمان پیامبر نبود، بلکه فردی بود که بسیار فکر می‌کرد و یقینش نیکو بود و خدا را دوست می‌داشت پس خدا نیز او را دوست داشت و به او حکمت داد. (طبرسی، ۴۹۴/۸) در حدیث دیگری از امام صادق (علیه‌السلام) به تفصیل از لقمان سخن گفته است. در این حدیث ضمن بیان شیوه زندگی و فضایل اخلاقی، همین فضایل، دلیل اعطای حکمت از سوی خدا به لقمان ذکر شده است. همچنین بیان شده که

لقمان میان پذیرش خلافت الهی و عدم پذیرش آن مخیر شد، اما آن را نپذیرفت و داود نبی آن را قبول کرد. نکته مهمی که در این روایت دیده می‌شود، این است که خداوند گذشته از حکمت، عصمت را نیز به او داد. (قمی، ۱۶۲ و ۱۶۳) این روایت بر فرض صدورش از امام، ظاهراً بیانگر این است که خدا روح القدس یا درجه‌ای از آن را که منشأ عصمت انبیاء و ائمه علیهم السلام است، به لقمان داده است؛ اما نبوت و رسالت و امامت را به او نداده است. به همین دلیل است که سخنان او حکمت خوانده می‌شود.

۲-۲. امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

با توجه به آنچه بیان شد پیامبران علیهم السلام دریافت کنندگان کتاب و حکمت از جانب خداوند بودند و در هیچ آیه‌ای ماموریت تعلیم کتاب و حکمت به امت خود را نداشتند. خداوند متعال علاوه بر اعطا کتاب و حکمت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ایشان را مامور به تعلیم کتاب و حکمت به امت خود می‌کند. همان طور که ذیل آیه ۸۱ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ» بیان شد، آگاهی از کتاب و حکمت، رمز و دلیلی بر نبوت است که ملاک تشخیص انبیا بعدی توسط انبیا قبلی می‌باشد. بنابراین ماموریت تعلیم کتاب و حکمت به امت، دلیلی بر خاتمیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز می‌باشد، زیرا با توجه به موارد ذکر شده مبنی بر اینکه، دارا بودن کتاب و حکمت دلیل و رمز شناخت انبیا علیهم السلام بوده است، اگر ایشان آخرین پیامبر الهی نبودند کتاب و حکمت نزد امت قرار نمی‌گرفت. به بیان دیگر دریافت کتاب و حکمت از انحصار پیامبران خارج نمی‌گردید. اما به جهت خاتمیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و عدم نیاز به انحصار کتاب و حکمت به انبیا جهت ملاک تشخیص نبی بعدی، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مامور به تعلیم آن به امت می‌گردد.

در این قسمت برای فهم مفهوم حکمت همنشین کتاب، لازم است به مشخصات کتاب و

حکمتی که در میان انبیا علیهم السلام صرفاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ماموریت تعلیم آن را داشتند، در آیات قرآن کریم پردازیم.

۲-۲-۱. کتاب و حکمت برای عموم امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

جامعه هدف کتاب و حکمت در امت خاتم المرسلین، قشر خاص و با فضایل خاصی نبوده‌اند و ابلاغ آن جنبه‌ی عمومی داشته است. در آیه‌ای از قرآن کریم، ابراهیم علیه‌السلام از خداوند متعال دعایی را طلب می‌نماید و می‌فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» (البقره، ۱۲۹) که منظور آن جناب بعثت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم بود، هم‌چنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمود: من دعای ابراهیم هستم. (صدوق، ۳۶۹/۴) نگارنده تفسیر مجمع‌البیان نیز این روایت را از حسن، قتاده و جمعی از علماء نقل می‌کند. (طبرسی، ۳۹۵/۱).

مرجع ضمیر (هم) با توجه به آیه‌ی قبل «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ...» امت مسلمان است. (طباطبائی، ۲۹۶/۱)، (طبرسی، ۳۹۵/۱)، (بیضاوی، ۱۰۶/۱) با توجه به آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی حجرات «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...» که متعرض حال اعراب است که ادعای ایمان می‌کردند، امت مسلمان شامل تمام افرادی که ادعای اسلام داشتند، می‌شود. نگارنده تفسیر المیزان نیز بر این باور است: «این اسلام عبارت از ظاهر اعتقادات، و اعمال دینی است، که ممکن است توأم با واقع باشد یا نباشد، به همین جهت شخصی را هم که دعوی ایمان می‌کند، ولی در واقع ایمان ندارد، شامل می‌شود.» (طباطبائی، ۲۸۶/۱)

آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ...» (البقره، ۲۳۲) که در ابتدای آیه تمام مردان را مخاطب قرار می‌دهد. در آیه‌ای دیگر به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌نماید که به دلیل وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در منزل ایشان، آیات و حکمت در خانه‌های

ایشان بوده است. «وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ» (الاحزاب، ۳۴) در آیهی «حِكْمَةً بِالْعَقْلِ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ» (القمر، ۵) مخاطب حکمت، مشرکان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند.

بنابر آنچه بیان شد، ماموریت تعلیم کتاب و حکمت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، برای گروه‌های مختلف و گسترده‌ای بیان شده است و هیچ کدام از آیات، گروه یا افرادی را از آن استثنا نکرده‌اند و حتی کسانی که دعوی اسلام دارند و مشرکان را نیز شامل می‌شود.

۲-۲-۲. عقل وسیله‌ی پذیرش کتاب و حکمت در امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

ویژگی دیگری که قرآن برای کتاب و حکمتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مامور تعلیم آن به امت بود، بیان می‌کند، پذیرفتن اولوالالباب است. با توجه به آنچه بیان شد، عموم امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مخاطب تعلیم کتاب و حکمت قرار گرفته‌اند، اما در آیهی ۲۶۹ بقره بعد از منوط کردن عطای حکمت به خواست خداوند و خیر کثیر خواندن حکمت می‌فرماید: «وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ». پذیرفتن، متذکر شدن و بهره‌مندی از کتاب و حکمت مخصوص صاحبان خرد است و هر کس به میزان بهره‌مندی از عقل، از حکمت برخوردار می‌شود. همچنین در حدیث مشهوری که در آن جنود عقل و جهل بیان شده است، حکمت از جنود عقل، در مقابل هوی از جنود جهل قرار گرفته است. (کلینی، ۲۲/۱ و حرانی، ۴۰۲) و در احادیث زیادی حکمت از آثار عقل شمرده شده و هوی، هوس و شهوت ضد عقل بیان گردیده است.

بنابر این حکمت به عموم عرضه می‌شود اما تنها صاحبان خرد به وسیله آن خود را متذکر ساخته و پذیرای آن می‌گردند و هر چه عقل کامل‌تر باشد، بهره‌مندی از حکمت نیز بیشتر است.

۲-۲-۳. ویژگی‌های کتاب و حکمت در امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

در چهار آیه از آیات قرآن کریم خداوند متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را

مامور به تعلیم کتاب و حکمت می‌فرماید. این ماموریت ناشی از مرتبت زمانی شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به سایر انبیا می‌باشد. زمانی که آخرین پیامبر الهی از میان برود، باید در میان بشر چیزی باقی بگذارد تا بشر بتواند با عقلی که نسبت به بشر نسل‌های قبل به تکامل رسیده است برای شناخت راه سعادت به آن تمسک جوید. در این قسمت برای شناخت ویژگی‌های کتاب و حکمتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مامور به تعلیم آن به امت بود، به این آیات چهارگانه می‌پردازیم:

۲-۲-۳-۱. کتاب و حکمت امری دست نیافتنی برای بشر

خداوند متعال در آیه ای از آیات چهارگانه که ماموریت تعلیم کتاب و حکمت را بیان می‌کند، بعد از «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» می‌فرماید: «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (الجمعه، ۲). بنابراین مردم زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از تعلیم کتاب و حکمت، در گمراهی آشکاری بودند. آیه‌ای دیگر از آیات چهارگانه بعد از اشاره به تعلیم کتاب و حکمت بیان می‌کند: «يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (البقره، ۱۵۱) که دلیل دیگری است که بشر (غیر از انبیا علیهم‌السلام) از کتاب و حکمت آگاهی نداشته است و خداوند به امت خاتم المرسلین منت نهاده و کتاب و حکمت داده است. بنابراین اگر تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نباشد، بشر در جهالت باقی می‌ماند و خود توانایی شناسایی و پیمودن هدایت را ندارد.

۲-۲-۳-۲. کتاب و حکمت، در راستای نعمت بزرگ الهی

یکی از آیات چهارگانه‌ای که تعلیم کتاب و حکمت را بیان می‌کند، بعثت پیامبری که مامور به تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت است را منت الهی بیان می‌کند: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران، ۱۶). بنابراین تعلیم کتاب و

حکمت در راستای نعمت و منتی است که خداوند با بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای مؤمنان قرار داده است. همچنین اشاره می‌کند که قبل از این، بشر در گمراهی آشکار بوده است.

۲-۲-۳. ارتباط حکمت با اتمام نعمت و ولایت

در سه آیه از آیات چهارگانه‌ای که به تعلیم کتاب و حکمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پردازد، مسلمانان به صورت جمعی غائب و در عین حال جامعه‌ی هدف هستند، اما در یک آیه، مسلمانان را مخاطب قرار می‌دهد. در سه آیه‌ای که مسلمانان غائب‌اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مخاطب است و خداوند ماموریت تعلیم را به ایشان واگذار می‌نماید. اما در آیه‌ای که مسلمانان مخاطب هستند، می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (البقره/۱۵۱)، در واقع ماموریت تعلیم کتاب و حکمت انجام شده است و خداوند به آن اشاره می‌نماید. سیاق آیه و همچنین آغاز آیه با کاف مشابَهت، مخاطب را به آیه‌ی قبل متوجه می‌سازد. در آیه‌ی قبل خداوند می‌فرماید: «وَلَا تِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ».

علامه طباطبائی در رابطه با «وَلَا تِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ» می‌فرماید: «آیه مورد بحث در باره مسئله حج است و وعده اتمام نعمت را به همه مسلمین می‌دهد و می‌فرماید: [علیکم]، و آیه سوره فتح این وعده را تنها به رسول خدا (ص) می‌دهد و می‌فرماید: [وَيُتِمِّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ] پس سیاق دو آیه مختلف است، و نمی‌شود هر دو مربوط به یک مطلب باشند. حال اگر آیه‌ای باشد که دلالت کند بر اینکه این دو وعده کجا وفا شد؟ آن وقت ممکن است بگوئیم: پس مراد هر دو وعده، همین وعده‌ای است که این آیه از وفا شدن به آن خبر می‌دهد و چنین آیه‌ای اگر باشد آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» خواهد بود و اما اینکه نعمت در آنچه نعمتی بوده که خدا اتمام کرده؟ و در این آیه منتش را بر ما می‌گذارد.» (طباطبائی، ۳۳۰/۱) آیه شریفه در مورد

ولایت علی(ع) و در روز غدیر خم که قیام دین به حامل شخصی مبدل به قیام به حامل نوعی شد، نازل گشته است. (طباطبائی، ۲۵۴/۵)

بنابراین سیاق آیه و شروع آن با کاف مشابَهت و ارجاع به آیهی قبل «وَلِأَتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ» در کنار نظر علامه مبنی بر اینکه، آیه‌ای که می‌تواند وعده اتمام نعمت را در آیهی ۱۵۱ بقره و آیهی ۲ سورهی فتح محقق کند آیهی شریفه‌ی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» است که به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیهم‌السلام در روز غدیر اشاره می‌نماید، دلیلی برای ارتباط حکمت با اتمام نعمت و ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام است.

۲-۳-۴. کتاب و حکمت، رشک بر انگیز برای یهود

قرآن کریم در آیه‌ای حسادت به کتاب و حکمت را بیان می‌کند: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (النساء، ۵۴).

در رابطه با این آیه با چند سوال مواجه هستیم:

- ۱- چه کسانی حسادت ورزیدند؟
 - ۲- منظور از ناس چه کسانی هستند؟
 - ۳- منظور از آل ابراهیم، چه کسانی هستند؟
 - ۴- آنچه خداوند از فضل خود به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عطا کرد، چه چیزی بوده است؟
 - ۵- منظور از کتاب و حکمت چیست؟
 - ۶- منظور از ملک عظیم چیست؟
- پاسخ سوال اول: با توجه به آیه ۵۱ این سوره، روی سخن یهود است که درباره کافران گفتند: این گروه از اهل ایمان هدایت یافته‌ترند. بنابراین یهودیان حسادت ورزیدند.

پاسخ سوال دوم: در رابطه با منظور از ناس چند احتمال بیان شده است که دو احتمال آن بیشتر مورد توجه مفسران قرار گرفته است:

- ۱- منظور شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.
 - ۲- مقصود پیامبر و آلش می‌باشد. چنان که از امام باقر (ع) منقول است و مراد از فضل، نبوت پیامبر و امامت آل اوست (طبرسی، ۹۵/۳).
- دلایل ترجیح این دو نظر عبارت است از:

- ۱- به دلیل بیان «آل ابراهیم» در ادامه‌ی آیه، منظور از ناس عموم مومنان نمی‌تواند باشد.
 - ۲- در آیه‌ی ۳۳ آل عمران «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ...» منظور از آل ابراهیم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او هستند.
- بنابراین منظور از ناس، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او هستند. با توجه به اینکه (ناس) و همچنین (آل) و ضمیر (هم) که به ناس اشاره دارند، عموماً برای جمع به کار می‌روند، معنای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او، برای (ناس) مناسب‌تر است.

پاسخ سوال سوم: در رابطه با منظور از آل ابراهیم دو احتمال وجود دارد:

۱. مطلق آل ابراهیم «اولاد اسماعیل و اسحاق علیهما السلام» است.
 ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام است، که همه از نسل حضرت اسماعیل (علیه السلام) هستند.
- مطلق آل ابراهیم قابل پذیرش نیست، به جهت اینکه در این آیه به حسادت یهودیان که از نسل اسحاق هستند، اشاره می‌کند و مناسب نیست در همین آیه آنها را با عطای کتاب و حکمت مدح کند. بنابراین منظور از آل ابراهیم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام هستند.

پاسخ سوال چهارم: با توجه به عطف جمله «مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» به جمله‌ی «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» و تکرار فعل (اتی) در هر دو جمله، «آلَ إِبْرَاهِيمَ»، بدل از

«هُم» و «الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» همان «مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» است که مورد حسد واقع شده است. بنابراین آنچه خداوند از فضل خود به پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم عنایت کرده است و محسود یهود واقع شده است، کتاب و حکمت است.

پاسخ سوال پنجم: روایات بسیاری ذیل این آیه وجود دارد که افرادی که مورد حسد قرار گرفته‌اند را اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم بیان می‌کند. امام علی علیه‌السلام در رابطه با منظور از محسودون در این آیه می‌فرماید: «نحن المحسودون»^۱ (کلینی، ۱۶۰/۲) امام باقر علیه‌السلام به صورت متعدد تعبیری مشابه نحن المحسودون در تفسیر این آیه بیان می‌کنند.^۲ (نک: ابن شهر آشوب ۲۱۳/۳، جلابی، ۲۷۶ و ۳۱۴، قندوزی، ۱۲۱ و ۲۷۴، صدوق، امالی، ۲۷۸/۱، صفار، ۵۵/۵ و ۵۶/۶).

امام صادق علیه‌السلام در جواب شخصی که در رابطه با منظور از این آیه سوال می‌کند، می‌فرماید: «یا أبا الصباح، نحن [و الله الناس] المحسودون»^۳ (کلینی، ۱۶۰/۴). در موارد

۱. و عن محمد بن يعقوب: عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن الفضيل، عن أبي الحسن (عليه السلام)، في قول الله تبارك وتعالى: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نحن المحسودون» (کلینی، ۱۶۰/۲)

۲. وقال أبو جعفر (عليه السلام): «المراد بالفضل فيه النبوة، و في على الإمامة». (ابن شهر آشوب، ۲۱۳/۳) و من طريق المخالفين، ما رواه ابن المغازلي: يرفعه إلى محمد بن علي الباقر (عليه السلام) في قوله تعالى: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نحن الناس، والله». (جلابی، ۲۷۶ و ۳۱۴ و قندوزی ۱۲۱ و ۲۷۴) الشيخ في (أمالیه) قال: أخبرنا أبو عمر بن عبد الواحد بن عبد الله بن محمد بن مهدي، قال: أخبرنا أبو العباس أحمد بن محمد بن سعيد بن عبد الرحمن بن عقدة، قال: حدثنا يعقوب بن يوسف بن زياد، قال: حدثنا أبو غسان، قال: حدثنا مسعود بن سعد، عن جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نحن الناس». (صدوق، امالی، ۲۷۸/۱)

و عنه: عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبي عمير، عن عمر بن أذينة، عن بريد بن معاوية، عن أبي جعفر (عليه السلام)، في قوله تبارك وتعالى: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ: «فنحن الناس المحسودون على ما آتانا الله من الإمامة دون الخلق جميعا. و عنه: عن محمد بن الحسين و يعقوب بن يزيد، عن ابن أبي عمير، عن عمر بن أذينة، عن بريد العجلي، عن أبي جعفر (عليه السلام)، في قوله تبارك وتعالى: فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا: «فجعلنا منهم الرسل و الأنبياء و الأئمة، فكيف يقرن في آل إبراهيم (عليه السلام) و ينكرونه في آل محمد (عليهم السلام)؟». قلت: فما معنى قوله: وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا؟ قال: «الملك العظيم أن جعل فيهم أئمة، من أطاعهم أطاع الله، و من عصاهم عصى الله، فهو الملك العظيم». (صفار، ۵۵/۵ و ۵۶/۶).

۳. و عنه: عن الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن أبي الصباح، قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قول الله عز و جل: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. فقال: «يا أبا الصباح، نحن [و الله الناس] المحسودون» (کلینی، ۱: ۴/۱۶۰).

دیگر نیز به محسود بودن اهل بیت علیهم السلام در این آیه اشاره می‌نمایند.^۱ (کلینی، ۱۴۳/۶ و عیاشی، ۱۵۷/۱ و ۲۴۸ و کلینی، ۱۶۰/۴). امام رضا علیه السلام در رابطه با آیه مذکور می‌فرماید: «نحن المحسودون».^۲ (کلینی، ۱۵۷/۱)

پاسخ سوال ششم: با توجه به سیاق آیه، ملک معنایی فراتر از ملک مادی دارد و شامل ملک معنوی یعنی نبوت و ولایت نیز می‌شود. زیرا خدای عزوجل به ملک مادی اعتنایی ندارد، مگر وقتی که این ملک باعث فضیلت معنوی شود. (طباطبائی، ۳۷۷/۴) در قرآن کریم هرجا که واژه ی ملک آمده است در مورد مالکیت خداوند بر آسمان‌ها و زمین است به جز در چند مورد: ملکی که فرعون برای خود می‌پنداشت (الزخرف، ۵۱)، ملک سلیمان (البقره، ۱۰۲ و ص، ۳۵)، وعده‌ای که شیطان برای وسوسه آدم به او پیشنهاد می‌دهد (طه، ۱۲۰) و ملکی که به بهشتیان وعده داده شده است (الانسان، ۲۰) که تنها در این آیه ملک را با صفت کبیر آورده است که این حاصل از تفاوت ماهیت ملک دنیایی و ملک اخروی است، زیرا در آیات قبل ملک بدون صفت آمده بود.

۱. و عنه: بإسناده عن أحمد بن محمد، عن محمد بن أبي عمير، عن سيف بن عميرة، عن أبي الصباح، قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): «نحن قوم فرض الله عز وجل طاعتنا، لنا الأنفال، و لنا صفو المال، و نحن الراسخون في العلم، و نحن المحسودون الذين قال الله: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (کلینی، ۱: ۶/۱۴۳).

عن أبي الصباح الكناني، قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): «يا أبا الصباح، نحن قوم فرض الله طاعتنا، لنا الأنفال، و لنا صفو المال، و نحن الراسخون في العلم، و نحن المحسودون الذين قال الله في كتابه: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». عن يونس بن ظبيان، قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): «بينما موسى بن عمران يناجي ربه و يكلمه إذ رأى رجلاً تحت ظل عرش الله تعالى، فقال: يا رب، من هذا الذي قد أظله عرشك؟ فقال: يا موسى، هذا ممن لا يحسد الناس على ما آتاهم الله من فضله». (عیاشی ۱: ۱۵۷/۲۴۸)

و عنه: عن الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن أبي الصباح، قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قول الله عز وجل: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. فقال: «يا أبا الصباح، نحن [والله الناس] المحسودون». (کلینی ۱: ۴/۱۶۰)

۲. و عنه: عن أبي محمد القاسم بن العلاء (رحمه الله)، رفعه، عن عبد العزيز بن مسلم، عن الرضا (عليه السلام) - في حديث له طويل في صفة الإمام - قال: «قال تعالى في الأئمة من أهل بيت نبيه (صلى الله عليه و آله) و عترته و ذريته (صلوات الله عليهم): أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا». و عنه: عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن الفضيل، عن أبي الحسن (عليه السلام)، في قول الله تبارك و تعالى: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نحن المحسودون» (کلینی ۱: ۱۵۷/۱).

در آیه‌ی شریفه‌ی ۵۴ نسا، ملک را با صفت عظیم آورده است که نشان از عظمت و بزرگی این فرمانروایی است. از سوی دیگر در آل ابراهیم تاکنون چنین ملکی را سراغ نداریم، بنابر آنچه بیان شد، این سوال پیش می‌آید که ملک عظیم در این آیه به کدام ملک اشاره می‌کند؟

با توجه به عطف جمله‌ی «وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» به دو جمله‌ی «آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» و «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» و تکرار فعل (اتی) در هر سه جمله و با توجه به معنایی که برای کتاب و حکمت بیان کردیم، می‌توانیم بیان کنیم این ملک عظیم اشاره به حکومت جهانی حضرت حجت علیه‌السلام دارد. این حکومت به لحاظ وسعت مادی (جهانی بودن) و معنوی (الهی بودن مطلق و احقاق عدالت) مورد توجه قرار گرفته است. روایتی نیز این مطلب را تایید می‌کند.

عن أبي عبد الله (عليه السلام)، في هذه الآية: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا. فقال: «نحن الناس الذين قال الله، ونحن والله المحسودون، ونحن أهل هذا الملك الذي يعود إلينا». (صفار، ۵۶/۹) امام حسین علیه‌السلام در باره‌ی آیه‌ی شریفه ۵۴ نساء می‌فرماید: به خدا سوگند که منظور از محسودون در قول خداوند، ما هستیم و ما اهل این ملکی هستیم که به ما برمی‌گردد. يعود الينا، صراحتاً بازگشت ملک را بیان می‌کند و دلیل مناسبی بر دلالت ملک بر حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

نتیجه بررسی آیات مذکور را می‌توان در چند مطلب کلی خلاصه کرد:

- ۱- پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان تنها پیامبری بود که ماموریت تعلیم کتاب و حکمت را به امت خود و مدعیان اسلام و حتی مشرکان و مخالفان داشت.
- ۲- کتاب و حکمت به عموم مردم ابلاغ می‌شود اما به جز اولوالالباب از آن متذکر و بهره‌مند نمی‌شوند.

- ۳- ماموریت تعلیم کتاب و حکمت توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از

جانب خداوند، امری لازم و موکد است.

۴- کتاب و حکمت نعمتی الهی است که اگر از جانب خداوند و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابلاغ نشده بود، بشر امکان دستیابی و بهره مندی از آن را نداشت.

۵- آغاز تنها آیه‌ای که با ضمیر مخاطب به تعلیم کتاب و حکمت اشاره دارد با کاف مشابهت با آیه قبل که می‌فرماید: «وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ» ارتباط دارد. براساس نظر علامه آیه‌ای که می‌تواند وعده اتمام نعمت را در آیه ۱۵۱ بقره و آیه ۲ سوره‌ی فتح محقق کند آیه‌ی شریفه‌ی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» است و این آیه به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام در روز غدیر اشاره می‌نماید که دلیلی برای ارتباط حکمت با اتمام نعمت و ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام است.

۶- اختصاص کتاب و حکمت و ملک عظیم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و آل او، مورد حسادت یهودیان قرار گرفت. همچنین روایات متعددی به محسود بودن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌نمایند.

۷- اعطای ملک عظیمی که در قرآن برای آل ابراهیم بیان می‌کند، با توجه به شواهد ذکر شده، می‌تواند حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

آیات موید

در این قسمت آیاتی که به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پردازد، به عنوان موید برای ادعای مقاله اشاره می‌نماییم.

۱- «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». (المائدة، ۳)

علامه طباطبائی در رابطه با اثبات عقلی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» با ولایت امام علی علیه‌السلام معتقد است: «تمامیت یاس کفار باید به خاطر عاملی باشد که عقل آن را تنها عامل ناامیدی کفار بداند، و آن این است که خدای سبحان برای

این دین کسی را نصب کند که قائم مقام رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) باشد و در حفظ دین و تدبیر امر آن و ارشاد امت متدین کار خود آن جناب را انجام دهد، به نحوی که خلای برای آرزوی شوم کفار باقی نماند، و کفار برای همیشه از ضربه زدن به اسلام مایوس شوند. زیرا اگر دین قائم به شخص معین باشد، دشمنان آن می‌توانند این آرزو را در سر پیورانند، که با از بین رفتن آن شخص دین هم از بین برود، ولی وقتی قیام به حاملی شخصی، مبدل به قیام به حاملی نوعی شد، آن دین به حد کمال می‌رسد، و از حالت حدوث به حالت بقاء متحول گشته، نعمت این دین تمام می‌شود و این وجه خود مؤید روایاتی است که می‌گوید آیه شریفه مورد بحث در روز غدیر خم در مورد ولایت علی (ع) نازل شد.» (طباطبائی، ۱۸۲/۵)

۲- «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (المائدة، ۶۷)

روایاتی از طرق اهل تسنن و شیعه وارد شده است که بیان می‌کند: آیه شریفه در باره ولایت علی (علیه‌السلام) نازل شده و خداوند، رسول الله (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) را مامور به تبلیغ آن نموده است و ایشان در غدیر خم آن را عملی کرد و فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» یعنی هر که من مولای اویم، این - علی بن ابی طالب - نیز مولای اوست. (طبرسی ۲۲۳/۳)

وجه ارتباط این آیات که ابلاغ ولایت امام علی علیه السلام، توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می‌کند با مدعای این پژوهش مبنی بر تطبیق تعلیم حکمت بر ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام، در چند مطلب است:

۱- اصل ماموریت ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که این پژوهش به آن می‌پردازد، مسئله‌ای قابل پذیرش در آیات قرآن کریم است که در آیات موید به آن پرداختیم.

۲- در آیات چهارگانه ای که ماموریت تعلیم کتاب و حکمت به پیامبر صلی الله علیه و

آله و سلم را بیان می‌کند، تعلیم حکمت، به لحاظ ترتیب آخرین مرحله از ماموریت و بعد از امر ایشان به تلاوت آیات الهی، تزکیه و تعلیم کتاب آمده است. آیات مؤید نیز که به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام اشاره می‌نماید، از آیات سوره‌ی مائده است که اهل حدیث و تاریخ اتفاق دارند که سوره مائده در اواخر ایام حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر آن حضرت نازل شده و در روایات شیعه و سنی هم آمده که در سوره مائده ناسخ هست ولی منسوخ نیست، چون بعد از مائده چیزی نازل نشد تا آن را نسخ کند (طباطبائی، ۱۵۷/۵). علاوه بر اینکه در آیه‌ی ۳ مائده، ابلاغ ولایت را با عنوان اکمال دین و اتمام نعمت بیان می‌کند که نشان می‌دهد آخرین مرحله‌ی ماموریت ایشان است.

بنابراین پذیرش اصل ماموریت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند برای ابلاغ ولایت امیرالمومنین علیه السلام و قرار گرفتن آن به عنوان اتمام و آخرین مرحله ماموریت نبوی، به پذیرش این پژوهش مبنی بر تطبیق تعلیم حکمت بر ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیهم السلام کمک می‌کند.

روایت موید

علاوه بر روایاتی که ذیل آیه ۵۴ نساء اشاره نمودیم، مبنی بر اینکه محسود یهود، اهل بیت (علیهم‌السلام) بودند و روایتی که ذیل «وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» آوردیم مبنی بر اینکه ملک اشاره به حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، روایت دیگری صریحاً به قرآن و عترت علیهم السلام اشاره می‌نمایند:

روایتی در تفسیر فرات: [فرات بن ابراهیم الکوفی] قال حدثنی جعفر بن محمد الفزازی [قال حدثنی محمد بن أحمد المدائنی قال حدثنی هارون بن مسلم عن الحسين بن علوان [حیلولة] قال [و] حدثنی الفضل بن یوسف قال حدثنی عبد الملك بن مروان عن الكلبي عن أبي صالح] عن ابن عباس رضي الله عنه في قوله [تعالى] هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ [الآية] قال الكتاب القرآن و

الحکمة ولاية علی بن أبی طالب علیه السلام. (فرات کوفی، ص ۴۷۳).

البته این روایت دلیل مستقل بر پذیرش مدعای این پژوهش مبنی بر تطبیق تعلیم حکمت بر ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیهم السلام نیست و دلایل قرآنی و روایی آن در قسمت‌های قبل آمده است. این روایت به عنوان موید بر مدعای این پژوهش است.

نتایج مقاله

کتاب و حکمت در آیات متعددی از قرآن کریم همنشین شده‌اند و در تفاسیر، معانی متعدد و متفاوتی برای آن‌ها وجود دارد. اما مفهوم حکمت در همنشینی کتاب مفهومی متفاوت از حکمت لغوی و اصطلاحی در قرآن دارد. این نوشتار با مخاطب شناسی آیاتی که حکمت در کنار کتاب آمده است و شناخت ویژگی‌های کتاب و حکمت در آیات، مفهوم حکمت همنشین کتاب را اینگونه به دست آورد:

در هر آیه‌ای از قرآن کریم که کتاب و حکمت در کنار هم آمده‌اند، دریافت کننده آن دو، انبیاء (علیهم السلام) هستند، به جز امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که ایشان مامور به تعلیم کتاب و حکمت به آنها بودند. اما تا قبل از ایشان، انبیاء علیهم السلام تنها دریافت‌کنندگان حکمت از جانب خداوند بودند و آگاهی از کتاب و حکمت رمز و دلیل نبوت و ملاکی جهت تشخیص پیامبر بعدی توسط پیامبر قبلی بود و حتی مریم علیها السلام با مقام قداست از این امر مستثنا نبود. همچنین حکمت بدون همجواری با کتاب در قرآن نیز، تنها برای دوگروه نامبرده آمده است. به جز در یک مورد که حکمت برای لقمان به کار رفته که در مورد نبوت او اختلاف است. البته اگر نبوت او را نپذیریم منافاتی با ادعای پژوهش حاضر ندارد؛ زیرا حکمت در همنشینی با کتاب مدنظر ما است. اما پرداختن به واژه حکمت به تنهایی، موید ما برای اثبات دست نیافتنی بودن آن برای عموم افراد است.

با توجه به آیات و روایات مرتبط با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تطبیق

تعلیم قرآن با تعلیم کتاب امری روشن و واضح است. اما در رابطه با معنای حکمتی که در کنار کتاب آمده است، تفاسیر مختلفی شده است که بررسی خصوصیت حکمت در کل آیاتی که این دو مولفه را در کنار دارد، رسیدن به معنای واحد را ممکن می‌سازد. این خصوصیات عبارتند از: بهره‌مندی اختصاصی اولوالالباب از حکمت علیرغم عمومیت تعلیم، تکرار امر تعلیم حکمت به پیامبر، نعمت ثقیل الهی، واکنش حسودانه یهود به نعمت حکمت و... . بنابر این از مجموع تخصیص تعلیم حکمت به انبیا علیهم‌السلام و امت پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم و تکرار آن به دست می‌آید که معنای حکمت در چهار آیه قرآن که با کتاب همنشین شده است به معنای ولایت امیرالمومنین علیه‌السلام است که در قالب عنوان حکمت باید به مسلمانان تعلیم داده می‌شد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۳. همو، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن شهر آشوب، أبوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۵ق.
۶. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق و مصحح: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۷. الازدی البصری، ابوبکر محمد بن حسن، جمهره اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷م.
۸. برنجکار، رضا، مفهوم حکمت در قرآن و حدیث، فصلنامه مبین، ۱۳۸۸.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۰. پاشایی، حسن، بررسی تطبیقی مفهوم حکمت در قرآن و عهدین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ۱۳۸۹ش.
۱۱. تفلیسی، حبیب‌بن ابراهیم، وجوه قرآن، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۵۹ش.
۱۲. جَلابی، علی بن محمد، مناقب الإمام علی بن أبی طالب، تصحیح محمد باقر بهبودی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۴ق.
۱۳. حسینی، مالک، حکمت چند رویکرد به یک مفهوم، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۸ش.
۱۴. راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالعلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۵. شاکر، محمد کاظم، نگاهی دیگر به معناشناسی کتاب و حکمت، مجله پژوهش دینی، ۱۳۸۰، ش ۳.
۱۶. شریفی، مهین، بررسی واژه‌ی حکمت در قرآن، نشریه‌ی بینات، ۱۳۷۹، ش ۲۵.
۱۷. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. طالبی، سیدعلی، مفهوم شناسی حکمت در کتاب و سنت با تاکید بر آرا فلاسفه‌ی مسلمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۶ش.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به ترجمه: گروه مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.

۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۱ ق.
۲۲. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: موسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۲۶. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، نجف اشرف: چاپخانه حیدریه، ۱۳۸۴ ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

